

**• رویاها و کابوس‌ها •**  
**• نگارمفید •**

## رویاهای رنگین سینمایی

سومین روز از تعطیلات نوروزی است، اتوبان حکیم نرسیده به اتوبان ستاری ترافیک عجیبی دارد، آن قدر عجیب که از تهران بدون ترافیک انتظار نمی‌رود. ماشین‌ها به صف شده‌اند، شبیه به آنکه تصادف بدی اتفاق افتاده باشد و ماشین‌ها در جای خود بایستند منتظر، تا شاید آمبولاس و پلیس راهنمایی و رانندگی از راه برسند. البته این‌ها حدس‌های ذهن بدبین و بی‌حوصله ماست که عادت کرده‌ایم اول تمام گزینه‌های منفی را فهرست کنیم. کمی می‌گذرد و یکی از جرتقیل‌های راهنمایی و رانندگی به‌سادگی آب خوردن می‌آید و خروجی اتوبان را می‌بندد. به همین سادگی متوجه می‌شویم برای رسیدن به پردیس کوروش باید راهی دیگر را انتخاب کنیم. از اتوبانی دیگر خود را به اتوبان ستاری می‌رانسیم، به سمت شمال در حرکت هستیم و متوجه می‌شویم که دوباره از اتوبان حکیم به سمت بالا ترافیک سنگینی وجود دارد. اگر محله‌تان غرب تهران باشد و کوچه‌پس‌کوچه‌ها را بشناسید، که ما می‌شناخسیم، راه‌های فراوانی برای رسیدن به پردیس کوروش وجود دارد. دور می‌زنیم و ماشین‌را در یکی از کوچه‌های نزدیک می‌گذاریم و پیاده به سمت مرکز خرید می‌رویم. به مرکز خریدی که این روزها در غرب تهران برای خودش حکمرانی می‌کند و تکلیف ترافیک را تعیین. از آن ازدحام غرب در اتوبان ستاری ردپایی در پردیس کوروش به چشم می‌خورد، جای سوزن انداختن نیست. طبقاتی هستند اما طبقاتی که مخصوص سالن‌های سینماست، آن چنان پرجمعیت شده‌اند که باید مراقب کوچک‌ترها بود تا زیر دست و پا نمانند. شلوغی جمعیت، دور از انتظار است. افراد برای تنه زدن به همدیگر مدام می‌گویند: «بیخشید» و از همدیگر راهی برای گذر می‌گیرند. هنوز آن قدر دیر نیست که به ساعت شام رسیده باشیم، به همین خاطر هنوز طبقه مخصوص رستوران‌ها و کافه‌ها به شما فرصت نفس کشیدن می‌دهند. ما به پردیس سینمایی کوروش آمده‌ایم برای تماشای یکی از فیلم‌های اکران نوروز و شاهد یک اتفاق عجیب هستیم. اتفاقی که می‌گوید یک چیزی یک جایی فرق می‌کند. هر اندازه که در تعطیلات پیش می‌رویم، اوضاع بهتر می‌شود که بدتر نمی‌شود. در پردیس زندگی نیز پیدا کردن بلیت سخت است. مخصوصا اگر بخواهی برای سانس‌های عصرگاهی بلیت تهیه کنی. برای سانس‌های پرت بلیت پیدا می‌شود اما برای سانس‌های معقول و منطقی نه. آدم‌هایی هم که در سالن سینما می‌بینیم، از همه قشری هستند، حتی تهیه‌هایی که کمتر چشمان عادت به دیدنشان در سینما دارد. به هر حال بلیت‌های سینما در حوالی نوروز برای سالن‌های درجه‌یک ۱۰ هزار تومانی شدند و انتظار دیدن جمعیت به این اندازه وجود ندارد. انتظار می‌رود بالا رفتن قیمت بلیت بر ریزش تعداد مخاطب تاثیر بگذارد و بخشی از مخاطبان، سینما را به حال خود رها کنند و تفریح‌هایی ارزان‌تر در نظر بگیرند. اتفاقی که چند مولفه در کنار یکدیگر دست‌به‌دست هم داده‌اند و چنین نوروز متفاوتی برای سینما ساخته‌اند. تیزرهای تبلیغاتی و نمایش آن‌ها در شبکه‌های تلویزیونی مختلف، پول در جیب مردم، فیلم‌هایی برای تفریح و فیلم‌هایی با تم جدی و از آن مهم‌تر، تثبیت سینما به‌عنوان تفریحی خانوادگی، باعث شد تا نوروز متفاوتی را پشت سر بگذاریم. اما حالا که تا اینجا پیش رفتیم و تمام عوامل را به صورت فهرست‌وار نوشتیم، بد نیست از دنیای تکنولوژی هم تشکر کنیم که در نبود رسانه‌های چاپی، باعث شدند خبرها به دست ما برسد و صحبت‌های تهیه‌کننده و کارگردان و برنامه‌فرش قرمز و حضور بازیگران و عوامل فیلم‌ها در سالن‌های سینما را به گوش ما برسانند. اگر چنین امکانی برای اطلاع‌رسانی وجود نداشت، نه‌فقط شاهد این حضور همه‌جانبه نبودیم، بلکه روحمان خبر نداشت که چه برنامه‌های ویژه‌ای در سینماها در حال برگزاری است. به همین خاطر اجازه بدهید رسانه‌های غیرچاپی را هم به فهرست اضافه کنیم که بی‌خبری را بر ما روا نداشتند. پس از آن می‌توانیم با خیال راحت، از نوروز ۹۵ صحبت کنیم، نوروزی که پردیس‌های سینمایی‌اش ترافیک اتوبان‌های اطراف را تعیین می‌کردند و رکوردهای بی‌نظیری به‌جا گذاشتند.

## فیلم‌های ایرانی جشنواره جهانی فیلم فجر

سی و چهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر با دبیری رضا میرکریمی از اول تا ششم اردیبهشت‌ماه اسمال در پردیس چارسو برگزار می‌شود. فیلم‌هایی که برای دو بخش سینمای سعادت و جلوه‌گاه شرق جشنواره جهانی فیلم فجر انتخاب شده‌اند از لحاظ مضمونی متنوع هستند. به گزارش خبرآنلاین، شش فیلم «نفس» به کارگردانی نرگس آبیار، «برادرم خسرو» نخستین فیلم احسان بیگلری، «خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم» نخستین فیلم حمیدرضا قربانی، «اروند» به کارگردانی پوریا آذربایجانی، «هاری» به کارگردانی امیراحمد انصاری و «A157» ساخته بهروز نورانی‌پور برای شرکت در این بخش‌ها انتخاب شده‌اند که هر کدام روایتی از دنیای پیرامونشان دارند.

# ۸ | کتینه‌و

سینما، تئاتر، موسیقی و...

### • شهرزادی تر،ین •



#### فصل دوم در راه است

هفته گذشته دو خبر از سریال «شهرزاد» که این روزها پرطرفدارترین سریال ایرانی به حساب می‌آید، منتشر شد. خبر نخست به‌گفت‌وگویی برمی‌گشت که علی نصیریان انجام داد و گفت: حضورش در فصل دوم این سریال در هاله‌ای از ابهام است و گمانه‌زنی‌ها آغاز شد که شاید فصل نخست با مرگ بزرگ‌آقا به پایان برسد. خبر دوم نیز به‌پست اینستاگرامی ترانه علیدوستی مربوط بود که از صحبت‌های ابتدایی برای شروع به کار در فصل دوم نوشته بود. درنهایت نیز در نخستین هفته پس از تعطیلات نوروز، قسمت بیست و سوم توزیع شد تا متصدیان سریال خلف وعده نکرده باشند.

#### حال کیارستمی خوب است

میانه‌های تعطیلات نوروز بود که خبر رسید عباس کیارستمی به خاطر بیماری سرطان به بیمارستان منتقل شده است، یکی از آن بیماری‌ها که آدم با شنیدن اسمش به لرزه می‌افتد. اما خدا را شاکریم که سرطان در حال حاضر از گردونه خارج شده و کارگردان نام‌دار نیز قرار است در همین روزهای ابتدایی هفته از بخش آی‌سی‌یو بیمارستان مرخص شود. خبر خوشایندی که باعث شد تا ترس سایه‌اش را از روی سر سینمای ایران بردارد. نکته جالب آنکه وقتی رئیس سازمان سینمایی به ملاقات کارگردان «طعم گیلاس» رفت، کیارستمی پیش از هر چیز حال محمدعلی موحد را پرسید.



#### برترین‌های نوروزی سیم

مرکز پژوهش و سنجش افکار صدواسیما در نوروز با مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی در ارتباط بوده این امید که در پایان نوروز بتواند از پربیننده‌ترین برنامه‌ها مطلع شود. مشخص شد که پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیون در نوروز، برخلاف سال‌های گذشته نه از شبکه‌های سراسری است و نه از میان سریال‌های تلویزیونی، بلکه سه برنامه پربیننده از شبکه نسیم انتخاب شده‌اند و «خندوانه»، «شب‌کوک» و «دورهمی» در صدر جدول پرطرفداران ایستاده‌اند. برنامه‌های دیگر این شبکه از جمله «شکرآباد»، مسابقه «هوش برتر» و «فوتابم‌خ» از دیگر برنامه‌های پربیننده نوروزی به حساب می‌آیند. به این ترتیب می‌توان شبکه نسیم را به‌عنوان پربیننده‌ترین شبکه نوروز انتخاب کرد.

# نوروز رکوردشکن

فیلم‌های سینمایی اکران نوروز، توانستند سه رکورد عجیب از خود به‌جا بگذارند



که «کش‌هایم کو؟» به کارگردانی کیومرث پوراحمد و «خشم و هیاهو» به کارگردانی هومن سیدی، که هر کدام بیش از ۵۰۰ میلیون تومان و کمتر از یک میلیارد تومان فروش داشتند، اگر در هر نوروز دیگر به نمایش درمی‌آمدند، فروش قابل توجهی به دست می‌آوردند. اما این روزها که می‌گذرد و پس از رکوردشکنی بی‌سابقه فیلم‌های نوروزی و آمار خیره‌کننده حضور مخاطب در سینما، این دو فیلم را

به‌محض آغاز دومین هفته، خود را در رتبه دوم تثبیت کرد و به فروشی نزدیک به ۳ میلیارد تومان رسید. سومین فیلم با نام «بادیگارد» ثبت شد، با فروش ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و درنهایت چهارمین فیلم «بدو و یک روز» بود که در پایان تعطیلات نوروز به رقمی نزدیک به ۲ میلیارد تومان نزدیک شد. چنین وضعیتی در سینمای ایران بی‌سابقه است، اگر بخواهیم ساده‌تر توضیح دهیم، باید بگوییم

## میثمی‌های هیجان‌انگیز

جادار شروع به‌خاطر هیزدای کتیم و یگویم که در سال‌های دهه شصت باحتی سال‌های ابتدایی دهه هفتاد، سینما آن‌چنان مخاطبان فراوانی داشت که پیدا نکردن بلیت و ایستادن در صف‌های طولانی، تا این اندازه عجیب‌وغریب نبود. اما این فروش خیره‌کننده و این آمارهای گشمر، فقط در تهران اتفاق نیفتاد و در شهرهای بزرگ دیگر نیز وضعیت سینما به همین اندازه هیجان‌انگیز بود. اینکه پایان هر عیدیدینی به قرار سینما و دین فیلم ختم شود، اینکه در فاصله میان دو عیدیدینی، به سینما رفت و فیلم خوب دید، اینکه بحث‌های سینمایی به گپ‌های نوروز تبدیل شود، هیچ کدام اتفاقی باورنکردنی در نوروز ۹۵ نبود.

می‌توان فیلم‌های شکست‌خورده گیشه در نظر گرفت. ■■■

فیلم‌های سینمایی اکران شده در نوروز توانستند فروشی نزدیک به ۱۶/۳ میلیارد تومان به دست آورند. آن‌هم در روزهایی که سقف سینما کوتاه‌تر از این‌ها به‌نظر می‌آید. در این میان، سینماهاییز رکورد فروش و حضور مخاطب در یک سانس را می‌شکستند و خبرهای خوشایندی در نوروز ۹۵ دست‌به‌دست می‌شد. برای مثال، در آغاز دومین هفته از تعطیلات نوروز بود که خبر رسید فیلم سینمایی «۵۰ کیلو آلبالو» در یک روز بیش از هزار و ۳۰۰ تماشاگر را به پردیس ملت کشانده است و تب‌وتاب سینماها را داغ کرده. کار به جایی رسید که فیلم تازه‌مانی حقیقی در سینما آزادی سانس‌های پرتعدادی را تجربه کرد و نخستین فیلمی بود که تماشاگران سینما حاضر بودند بابت آن تا ساعت ۳ صبح در صف بایستند. اما یکی دو روز که گذشت، دیگر عجیب‌وغریب نبود که فیلم‌ها در سانس‌های باعدادی نمایش داده شوند. البته از همان روزهای نخست مشخص بود که احتمال فراوانی برای فروش بالای نوروزی وجود دارد، اما کمتر کسی فکرش را می‌کرد که فروش بی‌نظیر و استثنایی تاین اندازه رکورد جابه‌جا کند. به هر حال در همان نخستین روز از فروردین ماه، اگر گذارتان به سینما می‌افتاد، متوجه می‌شدید که هیچ بلیتی وجود ندارد، مگر برای سانس یک‌بامداد. یکی از مراجعه‌کنندگان به سینما آزادی در دومین روز از فروردین ماه، دقیقاً چنین جمله‌ای به زبان آورد: «ما ساعت ۲ بعدازظهر به سینما رفتیم تا «بدو و یک روز» ببینیم و اولین سانسی که بلیت برایش وجود داشت، ساعت ۲۳:۴۰ دقیقه بود. مردم مگر عیدیدینی نمی‌روند؟»

تغییر در آمارها باعث شد تا روند ثابتی که در این سال‌ها برای سینماها ایجاد شده نیز دستخوش تغییر شود. برای نمونه در هفته دوم، اثری از فروش اینترنتی نبود و برای تهیه بلیت حتما باید به گیشه مراجعه می‌کردید. دست کم در سینماهای پرطرفدار که در حال جابه‌جایی رکورد تماشاگران حاضر در سینما بودند، چنین قانونی رعایت می‌شد و برای تهیه بلیت باید به گیشه مراجعه می‌کردید. کمی که گذشت، مشخص شد دلیل چنین اتفاقی تمام شدن زود هنگام آن بخش از بلیت‌ها بود که برای خرید اینترنتی در نظر گرفته شده‌اند. چنین قضایی، آن‌هم در حاشیه سینما که انگار به هزار قرص افسردگی برای درمانش نیاز بود، آن چنان جذاب و متفاوت بود که به‌عنوان پدیده در هفته نخست پس از نوروز در دستور کار نشریات و وب‌سایت‌های تخصصی قرار گرفت.

#### دهه هفتاد و پس از آن

پس از ورود به دهه هفتاد بود که حکمت از آن سال‌های اوج فاصله گرفت و در سال ۷۹ و پس از حضور در فیلم «آواز قو» دست از سینما کشید و روزهای عزلت و گوشه‌نشینی و ناخوشی را پشت سر گذاشت. اگر کمک همکاران سینمایی‌اش نبود، او حتی خانه‌ای برای سکونت نداشت. مخصوصا که تنها دخترش نیز از مریضی سختی رنج می‌برد و هزینه‌های گزافی بر دوش او گذاشته بود. کار به جایی رسید که در سال ۹۳، گفت‌وگویی با ایسنا انجام داد و گفت از پس زندگی‌اش بر نمی‌آید. حکمت روز جمعه، ۲۰ فروردین ماه از دنیا رفت، در حالی که هزینه‌های کفن ودفنش را سازمان سینمایی عهده‌دار شده بود.



#### دهه شصت واوج موفقیت

حکمت در سال‌های دهه شصت به موفقیت رسید، بازیگری که با کارگردان‌هایی چون اصغر هاشمی، مهدی فخیم‌زاده و ناصر تقوایی همکاری کرد و در سینمایی که هنوز چهارم‌ای مردانه داشت، خوش درخشید. اما دهه شصت تنها دهه موفقیت برای بازیگری چون او بود. دورانی که عکسش روی جلد نشریات مختلف می‌نشست و همراه با فریماه فرجامی، جزو معدود ستاره‌های زن سینمای ایران بود که فیلم‌هایی با بازی آن‌ها می‌توانست تضمین فروش آن فیلم باشد. حکمت در دهه شصت در یازده فیلم سینمایی بازی کرد و در سال ۶۳ بود که در سه فیلم سینمایی حاضر شد و پرکارترین سال کارنامه کاری‌اش را ثبت کرد.



ثریا حکمت، با نام اصلی آذر مهدی‌قلی‌خانی، در سال ۵۳ با بازی در فیلم سینمایی «ناجوها» در سینما آغاز به کار کرد. از همان روزهای نخستین، به‌سرعت پله‌های موفقیت را طی کرد و تبدیل به ستاره سینمای ایران شد. در همان سال‌های دهه پنجاه، فیلم‌هایش در سینما اجازه پخش پیدا نکردند و درحقیقت سینمای پس از انقلاب بود که به کمک او آمد و ثریا حکمت توانست در سینما ماندگار شود و باقی بماند. بازیگر فیلم‌هایی چون «ستیز» و «آلوده» در سینمای پیش از انقلاب، در دهه شصت نیز به راه خود در سینما ادامه داد و موفقیت را به چشم دید.

